

هفتکتاب

نشریه طنز مسجدي ها - دوره جدید - شماره یازدهم - دی ۹۷ - زیر نظر باشگاه طنز انقلاب اسلامی - rahrahtanz.ir

نیازمندیهای شیطان

حواست کجاست؟! پیمان غفاری

به تعدادی متخصص «نمازگزار حواس پرت کن» با مهارت‌های زیر نیازمندیم:

- تماشای تلویزیون با وُلم آخر (ترجیحا خندوانه)
- بحث درباره‌ی مسائل روز جهان
- معرفی نسل جدید گوشی‌های هوشمند LG
- نقد و بررسی فیلم برنده سیمرغ بهترین کارگردانی در جشنواره فیلم فجر
- تفسیر خلقت آدمی؛ چگونگی آب خوردن زرافه؛ عوامل موفقیت استیو جابز در دوران بلوغ
- بلند خندیدن به پست‌های تلگرامی
- موارد فوق همگی باید با صدای رسا و نزدیک به نمازگزار باشد
- تلفن: سه تا شیش



ام الهدی سجادی

احکام را با لبخند یاد بگیریم

احکام الخالی بندی

۱. حکم دروغ گفتن چیست؟

الف) مستحب است هنگام گفتنش، آن را با شکلات خورده و یه آب هم رویش بریزی! البته اسپرسو هم باشد بد نیست

ب) باید هنگام گفتنش صاف در چشمان طرف نگاه کنی و دروغت را برای چند روز ادامه دهی تا کاملاً طبیعی جلوه کند.



ج) با توجه به نزدیک بودن شب یلدا تا میتوانی هندوانه به زیر بغل طرف بگذاری

د) دروغ از گناهان کبیره محسوب می‌شود بدترین عذابها برای آن وعده داده شده است

۲. دروغ مصلحتی چیست؟

الف) یعنی به صلاحته چیزی بهش نگی، بفهمه خونیت پای خودته.

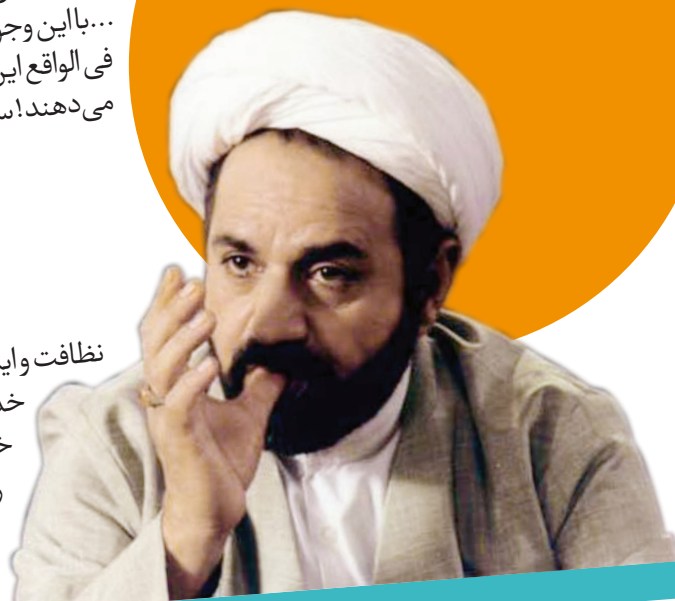
ب) مصلحتیست که دروغ شده.

ج) همان وعده دادن است، مثلاً وعده‌ی چلو کباب برای شام می‌دهی در آخر فلفل نصیبشان میشود

د) در مواقع ضروری و برای اصلاح بین مردم یا در مواجهه با مکرو حیله‌ی دشمن جایز است که سخن ایهام دار گفت شود

نصایح حاجی رضا مارمولک در جمع خلافکاران!

سبک زندگی اسلامی به سبک ۲۰۱۹
ابراهیم کاظمی مقدم



برترین خصال، تقوا و نظم در امور و است و از مصادیق بارزه‌ی آن احتساب صدم ثانیه در رسیدن به موقع به محل کار و بار و زین تعابیر است...
باین وجود و مع الأسف نیل به این خصلت پسندیده به مدد تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی حرام است!
فی الواقع این کار اند حرام است و داریم که ملائکه به او تُف میکنند و مرگ بسیار بدی هم دارد، شیطان شخصادهان او را مورد عنایت قرار می‌دهند! سفر خوشی داشته باشید بهتر است!

شاعر در همین باب میفرماید:
دیر کردن بهتر است از هر خلاف...
زودتر برخیز از زیر لحاف!

نظافت و ایمان دو یار دیرین اند که هریک آدمی را به یاد دیگری می‌اندازد...
خدا که فقط متعلق به آدم‌های مناطق کنار دریا و پرآب نیست؛ خدا، خدای آدم‌های مناطق خشک و بی‌آب هم هست و فقط خود خداست که بین بندگان فرق نمی‌گذارد فی الواقع خداوند اند لطافت، اند بخشش، اند فرق نگذاشتن و اند رفاقت است...
رفیق خوب و با مرام همه چیزش را پای رفاقت می‌گذارد... اگر آدم‌ها مرام داشته باشند هیچ وقت اسراف نمی‌کنند، علی‌الخصوص برای وضو و غسل...
ولی متأسفانه بعضاً آدم‌ها تک خوری می‌کنند و این بدروزگار است...

دیوید کاپرفیلد

عارف!

راه های تمیز عارف راستین از دروغین...



تصور اغلب مردم از عارف بالله، فردی با قدرت های فرا بشری در حد دکتر استرنج و یا حداقل دیوید کاپرفیلد و پیش گویی های عجیب و غریب، دست کم مثل نوستراداموس و دستور العمل های پیمایش یک شبه ی ره صد ساله، مثل دستورات کانال هوش مالی ماهان تیموری و یا اگر نشد در حد برایان تریسی است، که خب عقلا و نقلا و قطعاً غلط است دیگر...

البته منظور من این است که راه شناخت عارف حقیقی این ها نیست والا همان طور که معلوم است زور سوپرمن از بتمن بیشتراست، کرامات عارف حقیقی هم از تمام قدرت های مرتاض ها و سوپر هیرو های مارول و دی سی بیشتراست، نمونه اش هم داستانی که آیت الله شبیری زنجانی از مرتاض هندی و علامه طباطبایی نقل میکنند...

پس اگر روزی خواستید به دنبال عارف حقیقی بگردید لااقل گول دیوید کاپرفیلد را بخورید که حرفه ای این فن است نه منگل های عرفان حلقه که به امید قدرت ماورایی دستورات مستر را اجرا میکنند و کارت غیر رایگان استفاده از کمپ ترک اعتیاد نصیبشان می شود! در همین راستا آورده اند که روزی مریدان

شیخ ابوسعید ابوالخیر به او گفتند: «ای شیخ فلانی روی آب راه میرود» شیخ گفت: «وزغ نیز روی آب راه میرود» دوباره گفتند: «فلانی در هوا پرواز میکند» شیخ گفت: «مگس نیز در هوا پرواز میکند» مریدانش گفتند: «شخصی در چشم به هم زدنی از شهری به شهری میرود» شیخ گفت: «شیطان هم در چشم به هم زدنی از شهری به شهری میرود» آنگاه شیخ رو به مریدانش کرد و گفت: «مرد آنست که در میان هم نوعانش بنشیند و بپایزد و داد و ستد کند و بخورد و بخواهد ولی دل او یک لحظه از یاد خدا غافل نشود»

کاج تناقض

ماذا فاذا یا ایها الاریایی؟

نرجس سادات بزدگری

روزی نیچه در خیابان های تهران قدم میزد که درخت کاجی را دید که دارد وسط خیابان راه می رود؛ پس به او نزدیک شد و دلیل این کار را پرسید.

هموطن آریایی به او گفت: «این کاج را برای عید کریسمس به خانه می برم» و چون از سیبیل های نیچه خوشش آمد، او را هم دعوت کرد شب عید را با آنها بگذراند. نیچه گفت: «من به مرسومات مذهبی اعتقاد ندارم و نمیتوانم بیایم» که هموطن با خوشحالی گفت: «عجب تصادفی، من هم اعتقاد ندارم و مراسقات مذهبی را عرب پرستی میدانم.» نیچه که از رابطه ی بی اعتقادی، عید مذهبی و کریسمس متحیر مانده بود فریاد کنان به بالای درخت کاج پناه برد.

مرد با کاجش به مسیر ادامه داد که کوروش کبیر از پشت به شانهِ ی او زد؛ مرد برگشت و از دیدن کوروش ترسید و گفت: «به پنج تن قسم هنوز هم آریایی هستم، ذره ای به مقدسات عرب ها اعتقاد ندارم؛ اینم که میبینی مال کریسمسه.» کوروش که بین آریایی و پنج تن و کریسمس هاج و واج مانده بود؛ خواست به بالای درخت کاج پناه ببرد اما دید نیچه زودتر بالا رفته و جا برای او نیست؛ پس رفت که آرام بخوابد. بابائوئل از گفت: «جان من هدیه ی این را زودتر بدهید، تا دست از سرکچل ما بردارد؛ ارتفاع درخت زیاد است و من از ارتفاع می ترسم»



شبستان راه راه

نشریه طنز مسجد (ضمیمه مجله راه راه)

دبیر تحریریه: محمد حسین علیان

تحریریه: ابراهیم کاظمی مقدم، پیمان غفاری، علی پرتوی، ام الهدی سجادی،

نرجس سادات بزدگری

صفحه آرای: مجتبی سالاری